

دیدگاه

شماره: 753	موضوع: روند جهانی ادغام نهادهای دیپلماسی اقتصادی: آموزه‌هایی برای ایران
تاریخ: 1395/02/25	
توضیح اجمالی:	
<p>ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی را می‌توان به عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت یا ناکامی کشورها در قدرت یابی اقتصادی دانست. در گزارش رقابت پذیری جهانی سال 2015 که از سوی مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده است، در شاخص کارآمدی نهادها به عنوان شاخص نخست از میان شاخص‌های ده‌گانه رقابت پذیری اقتصادی، ایران با کسب 3.6 امتیاز (از 7) در جایگاه 94 جهانی قرار گرفته است. فنلاند با امتیاز 6.1 در رتبه نخست جهانی قرار دارد و امارات، عربستان و ترکیه به عنوان مهمترین رقبای منطقه‌ای ایران به ترتیب در رتبه‌های 9، 24 و 75 قرار گرفته‌اند. با توجه به این رتبه، اصلاح ساختار نهادی اقتصاد کشور به طور عام و ساختار دیپلماسی اقتصادی به طور خاص را می‌توان به عنوان یک ضرورت مطرح کرد. سازمان‌های توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری نقش کلیدی در ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی و توفیق تولید صادرات‌گرا ایفا می‌کنند. نحوه تعامل این دو نهاد با یکدیگر نقش کلیدی در شکل دهی به نتایج دیپلماسی اقتصادی کشور خواهد داشت.</p>	
نکات کلیدی:	
<p>1- یکی از تحولاتی که طی سال‌های اخیر در حوزه ساختار دیپلماسی اقتصادی کشورها در بخش‌های وسیعی از جهان رخ داده، روند رو به افزایش ادغام سازمان‌های سرمایه‌گذاری با سازمان‌های توسعه تجارت و ایجاد مدیریت و رویه‌ای واحد در حوزه‌های سرمایه‌گذاری و تجارت است. بر مبنای آمارهای ارائه شده در مطالعات نهادهای معتبر بین‌المللی، از میان 137 کشور که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، 75 کشور، سازمان‌های توسعه تجارت و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی را ادغام کرده‌اند. بنابراین ادغام این دو نهاد در یکدیگر را می‌توان به عنوان روندی رو به رشد در پهنه جهانی برشمرد.</p>	
<p>2- در مورد دلایل روند رو به رشد ادغام این دو نهاد، صرفه اقتصادی، هم‌افزایی، رهبری مؤثر و کارآمد، یکپارچگی در اجرای سیاست‌ها، بهبود فضای کسب‌وکار و تخصیص بهینه منابع پشتیبانی‌کننده تولید، انسجام سیاست‌گذاری، اشتراک دانش و اطلاعات و استفاده بهتر از منابع برای توسعه گسترده‌تر صادرات به عنوان دلایل کلیدی ذکر شده‌اند.</p>	
<p>3- سازمان توسعه تجارت و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، به عنوان دو نهاد منفک از یکدیگر</p>	

دیدگاه

بخش‌های کلیدی دیپلماسی اقتصادی کشور را هدایت می‌کنند. با توجه به روند رو به گسترش ادغام این دو نهاد در پهنه جهانی، امکان سنجی ادغام این دو نهاد را می‌توان به عنوان یک گزینه برای افزایش بهره‌وری در دیپلماسی اقتصادی کشور مطرح کرد.

4- استراتژی کلان اقتصادی یک کشور در ضرورت بخشی به ادغام این دو نهاد در یکدیگر یا منفک ماندن آنان از یکدیگر اهمیت ویژه‌ای دارد. استراتژی کلان اقتصادی ایران در دوره پسابرجام، همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی برای انتقال فناوری، تولید مشترک و تبدیل ایران به هاب صادرات کالا و خدمات در منطقه غرب آسیاست. یکی از الزامات کلیدی در پیش گرفتن این استراتژی کاهش تودرتویی بوروکراتیک، روان تر نمودن روزافزون مسیر سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به اقتصاد ایران و همکاری پایدار با شرکای ایرانی است. در این راستا، انجام مطالعات کارشناسی در خصوص تبعات ادغام این دو نهاد کلیدی برای روان‌سازی تعاملات بین‌المللی کشور ضرورت دارد.